



به قلم: دکتر محمد جواد لاریجانی

■ مجلس و رأی اعتماد به کابینه

۱. در وضعیتی که دستگاه اجرایی ساختار قابل اعتماد «کاری» داشته باشد و جریان امور، مجرای طبیعی خود را یافته باشند، نقش وزیر همواره دارای یک حداقل تضمین شده است، لذا معادلات سیاسی می‌توانند با اعتماد به این حداقل، مانورهای بسیاری داشته باشند. در چنین حالتی مسئول عالی اجرایی، الزاماً دنبال یک عنصر با فکر موج و مدیریت برجسته نمی‌رود، بلکه می‌تواند عناصر دیگری را در انتخاب خود تقدم بدهد.

اما به محض اینکه بخشی از مملکت دچار مشکل شود، مسلماً انتخاب وزیر برجسته برای آن کار، اولین علامت تصمیم قوی مسئولین اجرایی کشور برای رفع مشکل و هدایت امور به مجاری درست می‌باشد.

بنابراین دو نکته مهم در انتخاب وزرا مؤثر بوده و بالعکس نوع انتخاب وزرا و (نحوه رأی به آنان) گویای تلقی مسئولین (اجرایی / مقننه) از آن دو امر است: اول ساختار دستگاه اجرایی و نحوه جریان کارها در آن و دوم نگرانی یا تاکید روی بخشهای خاص.

۲. رأی اعتماد مجلس به کابینه، بی تردید یکی از اقدامات بسیار مهم مجلس است، البته از آن مهمتر، نظارت بر نحوه اجرای قوانین توسط وزرای منتخب است که متأسفانه بدان کمتر بها داده می شود. در هر صورت در ظرف یکی دو هفته آینده، هر نماینده ای باید از سوی موکلین خود و صرفاً برای مصالح نظام پیشنهاد رئیس جمهور محترم را در باب کابینه مورد تأیید یا رد قرار دهد. این تصمیم گیری را چگونه باید انجام دهیم؟ یکی از آفت های رایج، ارزیابی کاملاً شخصی و موضعی است: مثلاً نماینده از انتصاب مدیرکل و یا معاونتی ناخشنود است، یا از برخوردی که با وی شده دلتنگ است و یا در یک بخش از وزارت خانه خرابی می بیند و لذا وزیر را کاملاً بی صداقت می یابد. بنظر من باید ما این نوع تأثیرات را یکباره پشت سر بگذاریم و برای تصمیم مهم خود، مبانی محکم تری را جستجو نمائیم.

۳. مبتنی بر دیدگاهی که در ابتدای این مقال آمده، در مورد هر وزیر باید دو سؤال عمده را برای خود مطرح سازیم:

سؤال اول اینکه: دستگاه اداری - اجرایی آن وزارتخانه تا چه حد

ساختار قابل اعتماد فردی - کاری دارد و آیا حداقل مورد نیاز برای جریان درست امور مربوط به وزارت خانه را تضمین می کند یا نه؟
سؤال دوم اینکه: امور مربوطه به وزارتخانه مورد نظر در چه وضعی قرار دارد؟ آیا کشور در آن امور، دچار مشکل عمده‌ای است؟ آیا خطری منافع نظام را در آن زمینه تهدید می کند؟ آیا در آن امور، نیاز به یک تحول زیر بنائی هست؟ آیا ایده‌های جدید با توان پر تحرک اجرائی مورد نیاز است یا نه، امور به نحو عادی است و ادامه آن روند، منافع نظام را تضمین می نماید؟

من اموری از قبیل اعتقاد به نظام مقدس جمهوری اسلامی، ولایت فقیه، پابندی به احکام شرع و امثال اینها را ذکر نمی کنم، زیرا مقصود من بررسی مبانی تصمیم گیری درباره وزراء در مجلس از جهت «کارآمدی» است؛ لذا به جهات عمده کاری که دخل رئیق در تنسیق امور کشور دارد، می پردازیم و از سایر خصوصیات با تاکید بر اهمیت آنها در این بحث صرف نظر می نمایم.

همانطور که اشاره شد دو سؤال فوق برای انتخاب و رأی اعتماد مهم است و همچنین نحوه عمل رئیس جمهور هم می تواند از دیدگاه دو محور مطرح شده در آن دو سؤال، مورد تحلیل قرار گیرد و به کمک نتایج آن فهمیده شود که این دو قوه چه نوع تعلق از امور مذکور دارند.

۴. پاسخ دقیق به سؤالات فوق مسلماً نیاز به بررسی دقیق دارد؛ اگر چه مسئولین و نمایندگان محترم و مردم، هر یک به تناسب برخوردارها، ارزیابی خاصی در ذهن خود دارند. این خود نشان می دهد که

مملکت‌داری براساس مبانی عقلانی و اطلاعات دقیق و اصول عملیه روشن، چه آثار مهمی می‌تواند داشته باشد و اگر این باور در اندیشه مسئولین ما و سیاستمداران ما راسخ گردد بدون شک کلید تعداد زیادی از سردرگمی‌های ما را با خود دارد.

اما نبودن ارزیابی درست از وضع «کاری» وزارتخانه‌ها و مسائل مربوط به آن نیز تقریباً باید به عنوان مبنی فرض شود! به عبارت دیگر نمایندگان محترم باید درحالی‌که ارزیابی دقیق و فنی در اختیار ندارند، با اطلاعات موجود، آن دو سؤال عمده را باید پاسخ گفته و تصمیم بگیرند. در چنین فضائی، عقل می‌گوید باید «احتیاط» کرد! یعنی باید فرض کنیم که در وزارتخانه، سیستم گردش کار قابل اعتمادی وجود ندارد، لذا وزیر باید «باز» مدیریتی بالائی را تحمل کند و این امر در مورد همه وزراء ضروری است؛ ثانیاً اگر به امور کشور در بخشی که به آن وزارت خانه مربوط می‌شود با دیده نگرانی نگاه کنیم بهتر است تا «خوش خیالی» بی مبنی که می‌تواند بسیار خطرناک هم باشد حتی اگر آن دید خوش بینانه، قابل توجیه هم باشد. لذا باید عنصر «نروآوری»، «ابتکار» و جرئت در اقدامات تازه و نو و خلاصه خط شکنی را جدی تلقی و مطرح کنیم. شاید بتوان گفت که «امتحان» رأی دادن برای نمایندگان، دست کمی از قبول مسؤلیت وزارت ندارد، منتهی عمق مسئله مجهول است. یکی از مقاصد ما «در مرکز پژوهشها» روشن کردن جوهر «تصمیم‌گیری» و تمهید مقدمات دخیل در آن است که ان شاءالله با یاری پروردگار متان بتوانیم در این راه قدمی برداریم.